استناد اشتباه صاحب حدائق به قول ابن جزری در وجود شاذ در سبع و تبعیت محقق خوئی از ایشان

> قال الشيخ العلامة شمس الدين محمد بن محمد الجزري الشافعي المقرئ في كتاب النشر للقراءات العشر على ما نقله بعض مشايخنا المعاصرين: كل قراءة وافقت العربية و لو بوجه و وافقت أحد المصاحف العثمانية و لو احتمالا و صح سندها فهي القراءة الصحيحة التي لا يجوز ردها و لا يحل إنكارها بل هي من الأحرف السبعة التي نزل بها القرآن...و متى اختل ركن من هذه الأركان الثلاثة أطلق عليها ضعيفة أو شاذة أو باطلة سواء كانت عن السبعة أم عن من هو أكبر منهم[1]

اینها از جاهای جالب حدائق است. در آن جا چون حرف فخر رازی در این مسائل بود، گفتند «قال الامام الرازی». در اینجا هم می‌گویند «قال الشیخ العلامه شمس الدین». البته این به‌صورت ناخودآگاه است. وقتی آدم حرف کسی را ... .

اینجا هم یکی از جاهای بسیار مهم حدائق است. بعد از صاحب حدائق چه قدر در کتب متأخر آمده است!«تأمل بربک[2]» مرحوم خوئی برای همینجا است. ایشان می‌گویند ما کسی بالاتر از ابن جزری داریم؟! همه او را قبول دارند. وقتی او می‌گوید که اینها متواتر نیست، دیگر چه می‌خواهید بگویید؟! برو از اهل فن بپرس. شروع اینها از فرمایش صاحب حدائق است. می‌گویند:

«قال الشيخ العلامة شمس ...و متى اختل ركن من هذه الأركان الثلاثة أطلق عليها ضعيفة أو شاذة أو باطلة سواء كانت عن السبعة أم عن من هو أكبر منهم»؛ دیگر بالاتر از این می‌خواهید؟! شاذ و باطل است، سواء کانت عن السبعه. پس ما قرائت سبعه داریم که شاذ است. ابن جزری این را می‌گوید. از مرشد الوجیز هم می‌آورند؛ «فإن القراءات المنسوبة إلى كل قارئ من السبعة و غيرهم منقسمة إلى المجمع عليه و الشاذ[3]»؛ پس متواتر نشد. بعد می‌گویند: «و هو- كما ترى- صريح في ان المعيار في الصحة انما هو على ما ذكروه من الضابط لا على مجرد ورودها عن السبعةفضلا عن العشرة[4]»؛ ورودها را تیسیر و شاطبیه می‌گیرند. در ذهن ایشان این است که خوشحال هستند؛ از

اینکه ابن جزری می‌گوید که شاذ هست. این خوشحالی برای صاحب مدارک و صاحب ذخیره سنگین بود، لذا برآشفته شدند. اما برای ایشان باعث خوشحالی است. می‌گویند صریح در این است که می‌گویند شاذ هست.

> و ان العمل علی هذا الضابط المذكورمذهب السلف و الخلف فكيف يتم ما ادعاه أصحابنا (رضوان اللّٰه عليهم) من تواتر هذه السبع؟**[5]**

سبع را نقطه‌های گرفته‌اند، می‌گویند در سبع که شاذ هست، یعنی همه آنها متواتر نیست و اصحاب را در کرده‌اند. با اینکه اینها متخصص کار بوده‌اند. ایشان با این چیزی که اصلاً در فضای ذهن شریفشان نبوده، اصحاب را در می‌کنند. در «ثم یقول»؛ از حرف زمخشری موید می‌آورند. قبلا حرف زمخشری را عرض کردم. مفصل در جلسات قبل عرض کردم که احتمالاً استاد ایشان نقل به معنا کرده‌اند ای لازم گیری کرده‌اند. لذا از این در می‌شوم.

---

[1]الحدائق الناضرة في أحكام العترة الطاهرة، ج۸، ص: ۱۰۱

[2]البيان في تفسير القرآنص156؛تأمل بربك. هل تبقى قيمة لدعوى التواتر في القراءات بعد شهادة هؤلاء الاعلام كلهم بعدمه؟ وهل يمكن إثبات التواتر بالتقليد ، وباتباع بعض من ذهب إلى تحققه من غير أن يطالب بدليل

[3]الحدائق الناضرة في أحكام العترة الطاهرة، ج۸، ص: ۱۰۱

[4]همان ۱۰۲

[5]همان

بازبینی #2
ایجاد شده 2 مه 2024 07:45:47 توسط ... .
به روزرسانی شده 6 ژوئن 2024 07:22:53 توسط ... .